

زبان و ادب فارسی
نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز
سال ۶۵، پاییز و زمستان ۹۱، شماره مسلسل ۲۲۶

از خمسه‌سرایی تا خمسه پژوهی (بررسی انتقادی تحقیقات حوزه خمسه پژوهی)

عباس واعظزاده

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر ابوالقاسم قوام

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر عبدالله رادمرد

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر مریم صالحی نیا

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

خمسه‌سرایی یکی از سنت‌های دیرپای ادب فارسی است که در قرن شش هجری توسط نظامی پایه‌گذاری شد و تا قرن چهارده هجری در ایران و قلمرو نفوذ فرهنگ ایران به حیات خود ادامه داد. در طی این تاریخ هشتصد ساله بسیاری از شاعران ایرانی، هندی و ترک به سرودن مثنوی‌هایی به تقلید از خمسه نظامی پرداخته‌اند. این سنت ادبی را می‌توان پس از شاهنامه‌سرایی، پراقبال‌ترین سنت ادبی فارسی دانست؛ اما تا کنون پژوهش‌های جامعی حول آن صورت نگرفته و بسیاری از خمسه‌های ادب فارسی ناشناخته باقی مانده‌اند و فهرست دقیقی از آنها در دست نیست. این مقاله با معرفی و نقد و بررسی عمده پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، کمبودها و کاستی‌های این پژوهش‌ها را یادآور شده و پیشنهادهایی برای پژوهش در این حوزه ارائه کرده است.

کلید واژه‌ها: نظامی گنجوی، خمسه، مقلدان، خمسه‌سرایی، خمسه پژوهی.

مقدمه

مخزن الاسرار (۵۷۱ ق)، خسرو و شیرین (۵۷۳-۵۷۶ ق)، لیلی و مجنون (۵۸۴ ق)، هفت پیکر (۵۹۳ ق) و اسکندرنامه (۵۹۹ ق) نام پنج مثنوی مستقل از حکیم نظامی گنجوی (ف. ۶۱۴ ق) است که پس از وفات وی آنها را در مجموعه‌ای گرد آوردند و آن مجموعه را **خمسه** یا **پنج گنج** نامیدند (آقا بزرگ تهرانی، بی تا: ۲۵۶/۷؛ رستگار فسایی، ۱۳۸۶: ۲۴۴؛ همو، ۱۳۸۸: ۶۱؛ Parrello, 2010).

منظومه‌های نظامی پس از سرایش چنان مورد استقبال واقع شد که ابیات آن بر سر زبان‌ها افتاد. قدیمی‌ترین سندی که از **خمسه** خوانی وجود دارد، گفته شمس قیس رازی - تقریباً پنجاه سال پس از نظامی - در **المعجم** است:

دوستی از اهل طبع که در نظم و نثر دستی داشت و از عطیت «یزید فی الخلق ما یشاء» که در بعضی تفاسیر آن را آواز خوش تأویل کرده‌اند نصیبی تمام، چون مجلس از اغیار خالی دید و مجالس را به زیور اتحاد حالی یافت، بیتی چند از خسرو و شیرین نظامی به لحنی خوش و آوازی دلکش برخواند و با چند ظریف آرا ضریبی خفیف می‌زد (وحید دستگردی، بی تا: ص).

وحید دستگردی این روایت را بهترین دلیل می‌داند که «در ایران نقل مجالس بزم اشعار نظامی بوده» است. او این رسم را تا زمان خود همچنان برقرار دانسته و می‌گوید: «نگارنده در کوه‌نشینان بختیاری بسی مردم خوش‌آواز دیده که به رسم پدران قدیم خود خسرو و شیرین را از بر داشته و در مجالس و محافل بزرگان قوم با آواز دلکش و لحن مخصوص می‌خوانده و هنوز هم می‌خوانند» (همان جا).

همین مقبولیت آثار نظامی سبب شد که پس از وی عده زیادی از شعرای ایرانی، هندی، ترک و ازبک با الهام از **خمسه** نظامی و به تقلید از او به سرودن **خمسه** روی آورند. این مسأله سبب به وجود آمدن سنتی موسوم به «**خمسه‌سرایی**» در ادبیات فارسی و ترکی گردید. از این میان برخی تنها موفق به سرودن یک مثنوی به تقلید از مثنوی‌های نظامی شدند؛ بعضی عیناً عدد پنج را نیز از او تقلید کرده و **خمسه** سرودند؛ گروهی پا را فراتر نهاده و به سرودن

مثنوی‌های شش‌گانه (سته) و هفت‌گانه (سبعه) همت‌گماشتند و عده‌ای نیز که احتمالاً قصد سرودن پنج‌مثنوی را داشته‌اند، اما به دلایلی چون کفاف ندادن عمر، نتوانسته‌اند بیش از دو، سه یا چهار مثنوی بسرایند و حتی گاه پیش آمده مثنوی از یک شاعر ناقص مانده و شاعر دیگری مبادرت به اتمام آن کرده است.

بسیاری از محققان بر این باورند که اولین کسی که به نظیره‌سازی آثار نظامی و خمسه‌سرایی اقدام کرد، امیرخسرو دهلوی است که تقریباً صد سال پس از نظامی دست به چنین کاری زد؛ اما برتلس معتقد است که نظیره‌سازی از آثار نظامی از زمان حیات خود وی آغاز شد، اما به دلیل اینکه «این نظیره‌ها چیزی جز انتحال ادبی نبوده‌اند ... تا کنون چیزی از آن آثار بدست ما نرسیده است» (برتلس، ۲۵۳۵: ۱۷۴). اما او نیز آغاز سرودن سیستماتیک خمسه را مربوط به سدهٔ سیزدهم میلادی؛ یعنی زمان امیرخسرو می‌داند (همان‌جا).

در مورد تعداد مقلدان نظامی و نظیره‌های ایشان نیز آمار دقیقی در دست نیست. بیان ریپکا تعداد مقلدان نظامی را در ایران و قلمرو نفوذ فرهنگ ایران؛ یعنی ترکیه، آسیای مرکزی و هندوستان از حد افزون می‌داند (ریپکا، ۱۳۵۴: ۳۳۵) و وحید دستگردی در این باره می‌نویسد: «در کتب‌خانه‌های مختلف تاکنون بیش از صد خمسه و خمسه‌سرا به نظر ما رسیده است و البته اگر تمام کتب‌خانه‌ها را می‌توانستیم پژوهش کنیم، شاید هزار خمسه از هزار شاعر دیده می‌شد» (وحید دستگردی، بی‌تا: صا- صب). ابوالقاسم رادفر نیز معتقد است که اگر کاملاً تحقیق و بررسی شود تعداد مقلدان نظامی به بیش از یکصد و پنجاه نفر خواهد رسید (رادفر، ۱۳۷۱: ۳۷۷).

خمسه‌سرایی را می‌توان پس از شاهنامه‌سرایی یکی از دیرینه‌ترین و مورد اقبال‌ترین سنت‌های ادب فارسی دانست. در مورد شاهنامه‌سرایی ذبیح‌الله صفا با انتشار کتاب **حماسه‌سرایی در ایران** توجه محققان ادبی را به این سنت ادبی فارسی جلب کرد و پس از آن بررسی‌های مختلفی حول این سنت ادبی صورت گرفت و بسیاری از حماسه‌ها و شاهنامه‌هایی که زیر سایه شاهنامه فردوسی ناشناخته باقی مانده بودند، شناسایی، تصحیح و چاپ گردیدند و پژوهش‌هایی حول آنها صورت گرفت؛ اما در مورد خمسه‌سرایی تا کنون پژوهش جامعی صورت نگرفته است و بسیاری از خمسه‌های ادب فارسی به اتهام تقلیدی بودن

و نداشتن ارزش ادبی ناشناخته باقی مانده‌اند و حتی فهرست دقیقی از آنها در دست نیست. هدف این مقاله آن است که با معرفی و نقد عمده پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، نقص‌ها و کمبودهای این پژوهش‌ها را متذکر شود و پیشنهادهایی برای پژوهش در این حوزه ارائه دهد.

۱- سیر خمسه پژوهی

در این بخش بر آنیم تا بر اساس تقدّم و تأخّر زمانی به معرفی و نقد پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه خمسه‌سرایی پردازیم تا سیر تاریخی خمسه‌پژوهی، فراز و فرودهای پژوهش در این حوزه و اقبال و ادب‌های محققان به این مقوله را در ادوار مختلف، و نقل و اقتباس‌ها یا موازی‌کاری‌های این پژوهش‌ها را نشان دهیم.

۱-۲- فهرست‌های عمومی

قدیمی‌ترین اثری که فهرستی از خمسه‌های سروده شده در ادبیات فارسی و ترکی به دست داده است، *کشف‌الظنون* (قرن ۱۱ ق.) حاجی خلیفه است. وی در این کتاب علاوه بر خمسه نظامی از ده خمسه فارسی و ترکی دیگر نام برده است (حاجی خلیفه، ۱۹۶۷: ۷۲۳-۷۲۵).

در میان فهرست‌های عمومی، علاوه بر *کشف‌الظنون*، *الذریعه* و *فهرست نسخه‌های خطی فارسی* کتاب‌هایی هستند که چندی از این خمسه‌ها و دیگر تقلیدهای منظومه‌های نظامی را فهرست کرده‌اند. آقا بزرگ تهرانی در جلد ۷ *الذریعه*، علاوه بر خمسه نظامی، به معرفی بیست و پنج خمسه دیگر می‌پردازد (آقا بزرگ تهرانی، بی‌تا: ۲۵۷/۷-۲۶۶) و در همین جلد از دوازده خسرو و شیرین نام می‌برد (همان: ۱۵۹/۷-۱۶۱). پس از وفات آقا بزرگ، فرزند وی، محمد منزوی راه پدر را ادامه می‌دهد و در جلد ۱۸ این کتاب از چهل و چهار لیلی و مجنون نام می‌برد (همان: ۳۹۱/۱۸-۳۹۹). احمد منزوی در *فهرست نسخه‌های خطی فارسی* نیز ذیل «پنج گنج»، «خمسه»، «سبعه»، «سته» و «لیلی و مجنون» به معرفی نسخه‌های خطی‌ای با این نام‌ها می‌پردازد.

۲-۲- پژوهش‌های تخصصی

۲-۲-۱- پیش از ۱۳۰۰ ه.ش.

گذشته از این فهرست‌های عمومی، ظاهراً اولین کسی که به قصد فراهم آوردن فهرستی از مقلدان نظامی کتابی پرداخته است، مولوی آغا احمد علی احمد، از ادبای هند است. وی در سال ۱۸۶۹ م. (۱۲۸۵ ق.) به درخواست «کمیته اشیا تک سوسیتی کلکته» بر آن می‌شود که ترجمه‌ای از احوال نظامی، به علاوه تعریف مثنوی، وزن و مضمون آن و کیفیت خمسه نظامی و جواب‌های آن ترتیب دهد (مولوی آغا احمد علی احمد، ۱۹۶۵: ۱). بنابراین **تذکره هفت آسمان** را «در تحقیق مثنوی و تعریف مثنوی‌گویان فرس» می‌نگارد. وی وجه تسمیه این کتاب را به هفت آسمان، اوزان هفتگانه مثنوی در نزد محققان دانسته (همان: ۲) و بر آن است که در هر آسمان به یکی از اوزان مثنوی و مثنوی‌های سروده شده در آن وزن پردازد. نویسنده در این کتاب پس از معرفی مثنوی‌گویان پیش از نظامی و شرح حال مفصلی از نظامی، در بخشی با عنوان «آغاز اوزان مثنوی» قصد معرفی مثنوی‌های سروده شده در اوزان هفتگانه مثنوی را دارد. آسمان اول از هفت آسمان آغا احمد علی به بحر سریع که **مخزن الاسرار** نظامی در آن بحر سروده شده است، اختصاص دارد. وی در این بخش علاوه بر **مخزن الاسرار** نظامی، به معرفی هفتاد و هفت مثنوی دیگر در این بحر و سراینده‌گان آنها می‌پردازد؛ اما برخلاف وعده مؤلف در مقدمه، به علت درگذشت وی (وحید دستگردی، بی‌تا: قی)، این کتاب از آسمان اول فراتر نمی‌رود.

منابع آغا احمد علی را در تدوین این کتاب تذکره‌هایی چون: **نفحات الانس و بهارستان جامی**، **تذکره الشعراء** دولت‌شاه سمرقندی، **تذکره هفت اقلیم** محمد امین رازی، **مرآة الخیال** شیرخان لودی، **مرآة العالم** بختاور خان عالمگیری، **تذکره نصرآبادی**، **ریاض الشعراء** واله داغستانی، **آتشکده آذر**، **کلمات الشعراء** سرخوش و **خزانة عامره** آزاد بلگرامی تشکیل داده است (همان: ۱-۲) و تمام اطلاعات وی از مقلدان نظامی بر اساس همین منابع و در برخی موارد بر نسخه‌های خطی‌ای که از آثار ایشان در اختیار داشته استوار است. بنابراین، بسیاری از مقلدان نظامی و نظیره‌های مخزن الاسرار را که در پژوهش‌های بعدی به آنها

اشاره شده، از قلم انداخته است. با این وجود، *هفت آسمان* به دلیل فضل تقدیمی که دارد، از معتبرترین آثار در حوزه خمسه پژوهی به شمار می‌رود و بسیاری از خمسه پژوهان بدان نظر داشته و از آن استفاده کرده‌اند. شبلی نعمانی از اولین کسانی است که از این کتاب بهره برده است. وی در جلد ۵ *شعرالعجم*، در بخشی با عنوان «شاعری اخلاقی» به معرفی ۵۹ نظیره برای *مخزن الاسرار* می‌پردازد (شبلی نعمانی، ۱۳۶۳: ۱۶۳/۵-۱۶۴) که وحید دستگردی احتمال می‌دهد منبع او در تهیه این فهرست *تذکره هفت آسمان* بوده باشد (وحید دستگردی، بی‌تا: قی).

۲-۲-۲- دهه ۱۰

حسن وحید دستگردی، رئیس انجمن ادبی حکیم نظامی و مصحح خمسه نظامی از اولین کسانی است که در دوران معاصر به این مسئله پرداخت. وی در کتاب *گنجینه گنجوی* (۱۳۱۸) که آن را هفتمین گنج از سبعة نظامی^۱ نامیده است و مشتمل بر شرح حال، فرهنگ لغات و دیوان قصاید، غزلیات و رباعیات نظامی است، به این سنت دیرینه ادب فارسی اشاره کرده (رک: مقدمه همین مقاله) و به نقل از شبلی نعمانی تعدادی از مقلدان *مخزن الاسرار* را نیز نام می‌برد و به طور جدی توجه محققان را به این سنت ادبی جلب می‌کند (وحید دستگردی، بی‌تا: ص- صب).

علی اصغر حکمت در کتاب *رمثو و ژولیت شکسپیر، مقایسه با لیلی و مجنون نظامی گنجوی* که در اواسط سال ۱۳۱۷ نگارش آن را آغاز کرده است (حکمت، بی‌تا: ا)، در سه مقاله نخست به ترجمه رمثو و ژولیت، بیان خلاصه‌ای از لیلی و مجنون و مقایسه این دو منظومه پرداخته و در مقاله چهارم به ذکر پیشینه داستان لیلی و مجنون در ادب فارسی و معرفی تقلیدهای لیلی و مجنون نظامی مبادرت کرده است. او در پایان همین مقاله فهرستی شامل ۴۰ لیلی و مجنون فارسی و ۱۳ لیلی و مجنون ترکی ارائه می‌دهد و در همین فهرست به شاعرانی که خمسه نیز داشته‌اند، اشاره می‌کند (همان: ۲۴۱-۲۴۵) و در این میان به اشتباه به نقل از *تذکره روز روشن* خمسه‌ای به ابوالبرکات منیر لاهوری منسوب می‌کند، در صورتی که در

تذکره مذکور خمسه‌ای به منیر نسبت داده نشده و تنها از پنج مثنوی وی نام برده شده که جزوی از مثنوی‌های دوازده‌گانه وی است. حکمت همچنین در این فهرست از خمسه‌ای با عنوان «خمسه داود» که در موزه لندن دیده است یاد می‌کند، اما مشخصات چنین خمسه‌ای در فهرست ریو نیامده است.

۲-۲-۳- دهه ۴۰

غلامحسین بیگدلی در سال ۱۳۴۸ مقاله‌ای با عنوان «داستان خسرو و شیرین نظامی و ادبیات ترک» به چاپ می‌رساند و برای اولین بار در زبان فارسی به معرفی مقلدان ترک نظامی می‌پردازد. بیگدلی تعداد مترجمان و مقلدان ترک نظامی را ۲۳ نفر می‌داند که اولین آنها یعقوب بن محمد متخلص به فخری (قرن ۱۴م) است. به گفته بیگدلی خسرو و شیرین فخری تا سال ۱۹۶۵م. ناشناخته بوده و قدیمی‌ترین خسرو و شیرین شناخته شده ترکی مربوط به یوسف بن سنان متخلص به شیخی بوده که پنجاه سال پس از فخری آن را سروده است. بر همین مبنا وی شیخی را «قافله سالار ترجمه و نشر موضوع‌های آثار استاد گنجه در ترکیه» می‌داند و به همین سبب در بخش دوم مقاله خود، به تحلیل و ارزیابی خسرو و شیرین او می‌پردازد. نکته قابل توجه در مقاله بیگدلی این است که وی «خسرو و شیرین»‌های سروده شده در ترکیه را «ترجمه»‌هایی از خسرو و شیرین نظامی می‌داند، نه نظیره‌های آن و در همین زمینه بیتی از خسرو و شیرین فخری نیز می‌آورد:

«گوجوم تیدیگجه اولدوم ترجمانی
اثر شادروان نظامی را
نظامی نین که شاد اولسون روانی
تا آنجا که زورم رسید ترجمه کردم»

(بیگدلی، ۱۳۴۸: ۲۵)

بنابراین، در بررسی خسرو و شیرین شیخی معتقد است که شیخی در ترجمه خود از خسرو و شیرین نظامی تغییراتی داده و دخل و تصرف‌هایی کرده است.

بیگدلی در پایان این مقاله به معرفی اثری از نظامی‌شناس ترک، فاروق تیمورتاش به نام *داستان «خسرو و شیرین» و «فرهاد و شیرین» در ادبیات ترک* و بیان عقیده او در این باره می‌پردازد. به عقیده تیمورتاش این داستان چون محصول ذهن، ذوق و اندیشه ترک‌ها

نیست و با تاریخ ترک عثمانی رابطه ندارد، در ادبیات عامیانه و شفاهی ترکیه ریشه ندوانده و تنها در میان طبقه اشراف موقعیت و مقبولیت یافته است (همان: ۱۴۴).

۲-۲-۴- دهه ۵۰

عصمت ستارزاده در سال ۱۳۵۴، به مناسبت برگزاری بزرگداشت نظامی در ایتالیا، مقاله‌ای با عنوان «پنج گنج نظامی و پیروان او» به چاپ می‌رساند. وی در این مقاله برخلاف عنوان کلی آن، تنها به مقلدان ترک نظامی می‌پردازد. ستارزاده در این مقاله سه صفحه‌ای ضمن اشاره به سنت خمسه‌سرایی در ادبیات ترکی، به معرفی چند شاعر خمسه‌سرای ترک عثمانی و آذربایجانی که از قرن ۱۶م. به بعد خمسه‌سازی کرده‌اند و تجزیه و تحلیل مختصری از شیوه مثنوی‌گویی دو تن از مشهورترین خمسه‌سرایان ترک؛ یعنی امیرعلیشیر نوایی و فضولی بغدادی - که به عقیده وی اکثر خمسه‌سرایان ترک در این زمینه از آنها پیروی کرده‌اند - می‌پردازد. او همچنین به رساله‌ای از خود با عنوان «مقلدان ترک خمسه نظامی» اشاره می‌کند که خلاصه داستان برخی از مثنوی‌های این شاعران را در آن آورده است. ستارزاده منبع اصلی خود را در تهیه این مقاله، فهرستی به خط لاتین، چاپ استانبول می‌داند که به معرفی ۲۵ خمسه‌سرای ترک پرداخته و توسط مجتبی مینوی به دستش رسیده است. او هیچ اشاره‌ای به مقاله بیگدلی که شش سال پیش از مقاله او منشر شده بود، نکرده است.

اسماعیل حاکمی در سال ۱۳۵۸ طی مقاله‌ای با عنوان «مخزن الاسرار نظامی گنجوی و نظیره‌هایی که به تقلید از آن سروده‌اند»، ابتدا به توصیف مخزن الاسرار و سپس معرفی ۱۸ نظیره آن به همراه بیت یا ابیاتی از آنها می‌پردازد. چنانکه از پانوش و فهرست منابع مقاله برمی‌آید، عمده‌ترین منبع حاکمی برای تهیه این فهرست، تذکره هفت آسمان است. این مقاله چیزی بر دانسته‌های قبلی در این زمینه نمی‌افزاید و صرفاً بازنویسی مختصر و ناقصی از تذکره مذکور به شمار می‌رود.

۲-۲-۵- دهه ۶۰

در دهه شصت شاهد دو اثر هستیم که در بخشی از آنها به مقلدان نظامی و آثار آنها پرداخته شده است. علی اکبر شهابی در کتاب *نظامی شاعر داستان‌سرا* که رساله دکتری وی بوده، به بیان «مزایا و اختصاصات لفظی و معنوی و افکار نظامی در مثنوی‌های او» پرداخته است (شهابی، بی تا: ج). وی در بخش یکم این کتاب، پس از شرح احوال نظامی در سه سطح به معرفی شعری که در داستان‌سرایی از نظامی پیروی کرده‌اند، می‌پردازد: ۱- شرح حال مختصری از ۱۰ تن از مقلدان مشهورتر نظامی و آثار آنها، ۲- معرفی مختصری از ۱۰ مقلد دیگر نظامی و آثار آنها، ۳- نام بردن از ۲۳ مقلد نه چندان مشهور نظامی.

چنانکه از عناوین بالا مشهود است، شهابی بسیار مختصر و گذرا به این سنت ادبی (خمسه‌سرایی) پرداخته و همین مسئله سبب شده است که اطلاعات وی در این باره سطحی و دارای اشکالاتی باشد؛ او تنها با استناد به ابیاتی از روضه الانوار سبک و اسلوب اشعار خواجه را دارای «کمال شباهت» به اشعار نظامی می‌داند؟! (همان: ۶۱)؛ درباره کاتبی ترشیزی می‌گوید: وی مثنوی‌های مجمع‌البحرین، ناظر و منظور و بهرام و گلندام را به پیروی از نظامی سروده است (همان: ۶۵)، غافل از اینکه مجمع‌البحرین همان ناظر و منظور است و انتساب بهرام و گلندام به کاتبی محل بحث است. علاوه بر اینکه از منظومه‌های دیگر خمسه کاتبی چون: گلشن ابرار، سی‌نامه (محبّ و محبوب) و دلربا که به تقلید از نظامی سروده است، نام نمی‌برد؛ نویدی شیرازی را دارای دو خمسه می‌داند و تنها از مثنوی‌های خمسه اول و سوم او نام می‌برد (همان: ۶۷). گویا وی از خمسه دوم او هیچ اطلاعی نداشته است؛ مثنوی قاسمی گنابادی در برابر اسکندرنامه را فقط شامل فتوحات شاه اسماعیل می‌داند (همان: ۶۹)، در صورتی که این مثنوی همچون اسکندرنامه شامل دو بخش بوده: شاه اسماعیل‌نامه (شاهنامه ماضی) و شاهنامه نواب عالی که مجموع آن دو را «شاهنشاهنامه» نامیده‌اند. در ادامه نیز گوی و چوگان را جزو خمسه قاسمی محسوب می‌کند؛ و ...

ح. م. صدیق در فصل دوم کتاب *زندگی و اندیشه نظامی* - که اقتباس و برگردانی از کتاب *تاریخ ادبیات آذربایجان* (باکو، ۱۹۶۰م.) است - به معرفی سه تن از شاعران آذربایجانی

پیرو نظامی در سده هشتم (اوحدی مراغه‌ای، عصار تبریزی و عارف اردبیلی) و آثار آنها می‌پردازد. این کتاب همچون دیگر کتاب‌های نوشته شده در شوروی سابق با دیدگاهی کمونیستی نگاشته شده است و نویسندگان اصلی آن در خلال ارائه اطلاعات تاریخی- ادبی، به بیان عقاید کمونیستی خود می‌پردازند. به عنوان مثال در ابتدای فصل دوم که به توصیف اوضاع آذربایجان در قرن هشت پرداخته شده، مغولان فئودال‌هایی دانسته شده‌اند که ظلم آنها سبب خشم توده مردم، به ویژه توده زحمتکش شده است. در ادامه نیز شعر سه شاعر مذکور دارای مضامین اجتماعی و کمونیستی دانسته شده است. در حقیقت این کتاب یک کتاب ایدئولوژیک است تا یک کتاب تاریخی- ادبی.

۲-۲-۶- دهه ۷۰

در دهه هفتاد چندین اثر در این زمینه منتشر می‌شود. این دهه را به دلیل برگزاری کنگره بین‌المللی بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی در تیر ماه ۱۳۷۰ باید پربرترین دهه برای نظامی‌شناسی و خمسه‌پژوهی دانست. اولین اثری که در این دهه به همین مناسبت منتشر می‌شود، **کتابشناسی نظامی گنجوی** است که ابوالقاسم رادفر آن را در سال ۱۳۷۱ منتشر می‌کند. رادفر در این کتاب علاوه بر فهرست نسخه‌های خطی و چاپی، ترجمه‌ها، شروح و فرهنگ‌های خمسه نظامی، مقالات، کتب و پایان‌نامه‌های مربوط به نظامی، به معرفی تقلیدهای خمسه و زندگینامه مقلدان نظامی نیز می‌پردازد. وی در بخش «تقلیدهای خمسه»، در شش قسمت، نظیره‌های فارسی و ترکی خمسه (۳۷ نظیره)، مخزن الاسرار (۸۲ نظیره)، خسرو و شیرین (۶۳ نظیره)، لیلی و مجنون (۶۶ نظیره)، هفت پیکر (۲۰ نظیره) و اسکندرنامه (۱۴ نظیره) را معرفی می‌کند و در بخش «مقلدان نظامی» شرح حال مختصری از ۱۳۵ مقلد پارسی‌گوی و ۲۱ مقلد ترک نظامی می‌آورد. منبع رادفر در تهیه فهرست نظیره‌های فارسی خمسه و شرح حال سرایندگان آنها، در بیشتر موارد **تاریخ ادبیات در ایران صفا** و در برخی موارد **تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی** نفیسی و چندی از تذکره‌ها، بویژه **تذکره هفت آسمان** بوده است. او برای تهیه فهرست نظیره‌های ترکی و شرح حال

سرایندگان آنها نیز از مقاله غلامحسین بیگدلی و در چند مورد از مقاله عصمت ستارزاده بهره برده است.

در این کتاب بی‌دقتی‌ها و سهل‌انگاری‌هایی نیز دیده می‌شود که از آن جمله می‌توان به آوردن نام **هفت کشور** فیضی فیاضی جزو نظیره‌های **مخزن الاسرار** اشاره کرد، در حالی که همچنانکه خود مؤلف نیز اشاره کرده است، این منظومه جزو نظیره‌های **هفت پیکر** است؛ یا در ذیل **خمسه قاسمی** گنابادی از **زبدۃ الاشعار** وی یاد نمی‌کند، اما ذیل تقلیدهای **مخزن الاسرار** نام آن را می‌آورد و وزن آن را متفاوت از **مخزن الاسرار** می‌داند، در حالی که بیت اول آن (بسم الله الرحمن الرحيم/ حبل متین است و ره مستقیم) (دلیری مالوانی، ۱۳۷۵: ۲۱۲؛ خزانه‌دارلو، ۱۳۷۵: ۴۷۷) بر وزن **مخزن الاسرار** است؛ یا زمانی که از **خمسه نرگسی** یاد می‌کند، او را شاعر فارسی زبان یوگوسلاوی می‌شمارد و نامی از منظومه‌های **خمسه** وی نمی‌برد، اما در فهرست مقلدان نظامی او را جزو **خمسه‌سرایان** ترک می‌آورد و منظومه‌های **خمسه** او را برمی‌شمرد؛ یا ذیل نظیره‌های **خمسه** از «**خمسه ضمیری**» یاد می‌کند در حالی که شش مثنوی از او نام می‌برد که نشان از آن دارد که **ضمیری** «سته» سروده است نه «**خمسه**». با وجود این نقایص و بی‌دقتی‌ها، **کتابشناسی نظامی گنجوی** تا کنون یکی از کامل‌ترین و معتبرترین کتاب‌هایی است که در این زمینه منتشر شده است. نام این کتاب در فهرست منابع چند مدخل دانشنامه ایرانیکا از جمله: «**خمسه نظامی**»، «**خسرو و شیرین** و نظیره‌های آن» و «**لیلی و مجنون**» و مدخل «**خمسه نظامی**» دانشنامه زبان و ادب فارسی به چشم می‌خورد.

یک سال بعد از انتشار **کتابشناسی نظامی گنجوی**؛ یعنی در سال ۱۳۷۲ **مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی** به اهتمام منصور ثروت منتشر می‌شود که در آن شش مقاله به این موضوع (**خمسه‌سرایی**) اختصاص دارد.^۲ سه مقاله از این شش مقاله مربوط به نظیره‌های ترکی **خمسه** و مقلدان ترک نظامی و سه مقاله مربوط به **خمسه‌سرایی** در هند و پاکستان است. مقاله اول با عنوان «تأثیر و نفوذ نظامی گنجوی در زبان و ادبیات پنجابی» از شاهد چوهدری است که به معرفی نظیره‌های پنجابی **خمسه** نظامی می‌پردازد. نویسنده این مقاله معتقد است که **خمسه** نظامی یکی از

دروس اصلی مدارس دینی و اسلامی قدیم بوده است و شعرا، طلاب و ادبا آن را می‌خوانده و حفظ می‌کرده‌اند و از این طریق بوده که داستان‌های خمسه در زبان پنجابی و عموم مردم پنجاب رواج پیدا کرده‌است و آنان که طبع شعری و نویسندگی داشته‌اند، اقدام به سرودن و نوشتن داستان‌های خمسه به زبان پنجابی کرده‌اند؛ اما از آنجا که این شاعران و نویسندگان این داستان‌ها را به زبان اصلی نخوانده‌اند و از طریق شنیدن، آنها را نقل کرده‌اند، اختلاف فاحشی بین داستان‌های خمسه نظامی و داستان‌های آنان به وجود آمده است (چوهدری، ۱۳۷۲: ۴۲۰/۱). از اختلافات این داستان‌ها با داستان‌های نظامی این است که «داستان خسرو و شیرین» در زبان پنجابی «داستان یا قصه شیرین و فرهاد» است و هیچ شاعری به جز یک نفر این داستان را عنوان «خسرو و شیرین» نداده است (همان‌جا). «لیلی و مجنون»‌های پنجابی نیز رنگ محلی به خود گرفته‌اند و حتی داستان‌های محلی نیز در آنها راه یافته است (همان: ۴۲۳/۱). داستان هفت پیکر یا بهرام‌نامه نیز به «قصه شاه بهرام یا شاه بهرام و حسن بانو» شهرت یافته (همان: ۴۲۴/۱) و تنها نظیره اسکندرنامه به زبان پنجابی کتابی منشور به نام گلزار اسکندری از مولوی مسلم است (همان: ۴۳۲/۱). چوهدری در این مقاله ضمن بیان خلاصه‌ای از روایت پنجابی این چهار داستان، به معرفی سرایندهگان آنها می‌پردازد.

دومین مقاله از آن اصغر دلبری‌پور با عنوان «نظامی در ترکیه، مقلدان و نظیره‌پردازان ترک خمسه» است. دلبری‌پور در ابتدای مقاله‌اش بخش اساسی بحث خود را مقایسه پنج گنج نظامی با آثار مثنوی‌پردازان ترک، بویژه خمسه علیشیر نوایی می‌داند (دلبری‌پور، ۱۳۷۲: ۵۵۹/۱). وی در این مقاله ضمن اشاره به نظیره و نظیره‌پردازی در ادبیات ترک، به معرفی نظیره‌های ترکی خمسه نظامی می‌پردازد. دلبری‌پور نظیره‌پردازی را «یکی از ویژگی‌های ممتاز ادبیات ترک» دانسته و معتقد است که همین نظیره‌ها بودند که ادبیات ترکی را به رونق نسبی رساندند (همان: ۵۶۱/۱). وی به وجود آمدن آثاری به نام «مجمع النظایر» را در ادبیات ترکی یکی از نمودهای علاقه شعرای ترک به نظیره‌پردازی می‌داند. به عقیده وی مثنوی و به طور ویژه مثنوی داستانی و بزمی با نظیره‌هایی بر خمسه نظامی وارد ادبیات ترک گردید (همان‌جا). دلبری‌پور پس از این مقدمه، ضمن معرفی نظیره‌های ترکی هر یک از منظومه‌های خمسه

نظامی به مقایسهٔ خمسهٔ نوایی با آن می‌پردازد. نکتهٔ جالب توجه در این مقاله این است که عنوان اصلی مقاله، «نظامی در ترکیه» است؛ اما نویسنده خمسهٔ نوایی را که به زبان ترکی جغتایی سروده شده است، به عنوان نمونه‌ای از خمسه‌های ترکی برای مقایسه با خمسهٔ نظامی برگزیده است.

مقالهٔ سوم مقاله‌ای است با عنوان «تأثیر آفرینش نظامی بر ادبیات ترکی» از حسین محمدزاده صدیق. نویسنده در این مقاله چند تن از خمسه‌سرایان ترک را نام برده و به معرفی برخی از آن‌ها و آثارشان می‌پردازد. وی معتقد است که «هفتاد درصد مثنوی‌های ترکی تا صد سال اخیر» در استقبال، ترجمه یا تفسیر خمسهٔ نظامی سروده شده‌اند و اگر چند مثنوی معروف ترکی چون: قوتادغوبیلیغ و اوصاف مسامد شریف و برخی مثنوی‌های صوفیانه چون: یوسف و زلیخای شیخ شیاد خمره، ابتدنامه و انتهانامهٔ سلطان ولد و ... را در نظر بگیریم، می‌توانیم ادعا کنیم که مثنوی‌سرایی در ترکی با قطب قبچاقی و فخری (ف. ۷۷۱ق) و با خمسه‌سرایی به شیوهٔ نظامی آغاز می‌شود (محمدزاده صدیق، ۱۳۷۲: ۱۷۳/۳).

مقالهٔ دیگر در این زمینه با عنوان «خمسه‌سرایان عثمانی» از آن عبدالرحمن ناجی طوقماق، استاد دانشگاه استانبول است. ناجی طوقماق در این مقاله به معرفی شاعران ترکی که به تقلید از نظامی به سرودن خمسه (مجموعهٔ چند مثنوی) اقدام کرده‌اند، می‌پردازد. به گفتهٔ وی، «بنا به نوشتهٔ تذکره‌نویسان، در ممالک عثمانی نزدیک به بیست شاعر کوشش کرده‌اند که با نوشتن پنج مثنوی خمسه‌ای به وجود بیاورند» (ناجی طوقماق، ۱۳۷۲: ۲۹۶/۳) که وی در این مقاله به معرفی ۸ تن از آنها که اطلاعات بیشتری درباره‌شان وجود دارد، پرداخته و از ۹ نفر دیگر که «بعضی از مثنوی‌های آنها در دست است و بعضی هنوز به دست نیامده است» (همان: ۳۰۲/۳)، تنها نام می‌برد.

پنجمین مقاله با عنوان «جستاری در نفوذ نظامی در شبه قاره (مقلدان و شروح آثار نظامی)» از مهر نورمحمدخان، همچنان که از عنوان فرعی آن برمی‌آید، به معرفی مقلدان نظامی و شروحي که بر مخزن الاسرار و اسکندرنامه - که جزو کتب درسی مدارس شبه قاره به شمار می‌رفته - نگاشته شده است، می‌پردازد. نورمحمدخان معتقد است که خمسهٔ نظامی از خود عهد نظامی به این طرف در شبه قاره مورد توجه سخنوران آن سرزمین بوده‌است و آثار و

سبک او به اندازه‌ای که در شبه قاره مورد عنایت بوده است، به جز ایران در هیچ جای دیگر نظیر ندارد (نورمحمدخان، ۱۳۷۲: ۳/۳۷۴). وی مقلدان نظامی را در شبه قاره به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱- کسانی که به تقلید از نظامی به سرودن خمسه پرداخته‌اند؛ ۲- کسانی که از یک یا دو مثنوی او پیروی کرده‌اند؛ ۳- کسانی که در ترتیب و تنظیم داستان‌های خود از کار نظامی متأثر بوده‌اند و در ترکیب آنها به سخن و شیوه او نظر داشته‌اند (همان‌جا). نویسنده در این مقاله به معرفی کوتاهی از ۳۷ تن از مقلدان نظامی و آثار آنها می‌پردازد و به چندی از داستان‌های رمانتیک محلی که به تقلید از نظامی سروده شده‌اند، اشاره می‌کند. منابع اصلی نورمحمدخان در تهیه این فهرست کتابهای *تاریخ ادبیات در ایران، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی در پاکستان* و کتابی به زبان اردو با نام *پاکستان بین فارسی ادب دارد (تاریخ ادب فارسی در پاکستان)* نوشته ظهورالدین احمد تشکیل می‌دهد.

اما آخرین مقاله‌ای که به این موضوع پرداخته، مقاله‌ای است از عارف نوشاهی با عنوان «کتابشناسی نظامی در پاکستان و هند». نوشاهی در این مقاله علاوه بر ذکر تعداد نسخه‌های خطی و چاپی آثار نظامی در هند و پاکستان و معرفی گزیده‌ها، ترجمه‌ها و شروح آثار نظامی، به معرفی ۱۶ نظیره برای خمسه، ۳۸ نظیره برای مخزن الاسرار، ۲۲ نظیره برای خسرو و شیرین، ۶ نظیره برای لیلی و مجنون، ۹ نظیره برای هفت پیکر و ۱۲ نظیره برای اسکندرنامه می‌پردازد. منابع نوشاهی را در این مقاله کتاب‌های تاریخ ادبی ایران و پاکستان، فهرست نسخه‌های خطی و چاپی و برخی تذکره‌ها تشکیل می‌دهد. وی در این مقاله به معرفی برخی از خمسه‌های فارسی پرداخته که نام آنها در *کتابشناسی نظامی گنجوی* نیامده است. این مقاله را باید تا حدودی مکمل *کتابشناسی نظامی گنجوی* دانست.

در همین سال حشمت مؤید مقاله‌ای با عنوان «مقلدان خسرو و شیرین نظامی» در مجله *ایران‌شناسی* به چاپ می‌رساند. او در این مقاله مقلدان خسرو و شیرین را به سه گروه تقسیم می‌کند:

۱- شاعرانی که وزن خسرو و شیرین را گرفته و داستان‌های عاشقانه دیگری را جایگزین کرده‌اند؛

۲- شاعرانی که به جای داستان خسرو و شیرین یا دیگر داستان‌های عاشقانه، داستان‌های مذهبی و عرفانی را موضوع شعر خود کرده‌اند؛

۳- کسانی که داستان خسرو و شیرین را با دخل و تصرفاتی از نو سروده‌اند (مؤید،

۱۳۷۲: ۷۳).

مؤید هدف خود را در این مقاله سنجشی کوتاه بین **خسرو و شیرین** نظامی و چهار تن از سرایندگان دسته سوم (اشرف مراغه‌ای، آتشی قندهاری، امیرخسرو و هاتفی) می‌داند؛ اما نخست اجمالاً به مقایسه **یوسف و زلیخای جامی**، به عنوان نماینده گروه دوم، با **خسرو و شیرین** نظامی می‌پردازد و سپس به هدف اصلی خود بازمی‌گردد. وی در این قسمت با پرگویی خواندن کار اشرف مراغه‌ای و آتشی قندهاری، آنها را «شایسته ذکر در ساحت والای نظامی» ندانسته و به مقایسه بخش‌هایی از **خسرو و شیرین** نظامی با خسرو و شیرین امیرخسرو و هاتفی پرداخته است و در نهایت به این نتیجه جزم‌اندیشانه و کلیشه‌ای می‌رسد که کار هیچ کدام از آنها با اثر نظامی قابل مقایسه نیست و «هیچ مقلدی در این میدان به گرد او نرسیده است» (همان: ۸۸).

حسن ذوالفقاری در سال ۱۳۷۴ کتابی با عنوان **منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی** منتشر می‌کند. وی در بخش نخست این کتاب به طور گذرا به سیر تاریخی سرایش منظومه‌های عاشقانه و ویژگی‌های این منظومه‌ها پرداخته و در پایان این بخش در قالب جدولی، فهرستی از منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی ارائه داده است. این فهرست شامل نام، سراینده و قرن سرایش این منظومه‌هاست که به گفته نویسنده «بر اساس فهرست‌های خطی کتابخانه‌های ایران و جهان و فهرست کتب چاپی و کتاب‌های مربوط به تاریخ ادبیات فارسی تدوین و تنظیم شده است» (ذوالفقاری، ۱۳۷۴: ۸۶). چیزی که در این فهرست جلب توجه می‌کند، حضور نام برخی از داستان‌های عاشقانه به جای منظومه‌های عاشقانه است. به عنوان مثال در این فهرست نام داستان «زال و رودابه» و «رستم و ته‌مینه» از **شاهنامه**، «زید و زینب» از **لیلی و مجنون** و «خیر و دختر کرد» از **هفت پیکر** دیده می‌شود. بنابراین؛ این فهرست شامل ۳۹۵ منظومه و داستان است، اما نویسنده در قسمتی با عنوان «تحلیل آماری منظومه‌ها»، تعداد منظومه‌های

این فهرست را ۳۶۰ می‌داند که در این میان *لیلی و مجنون* با ۵۹ نظیره و *خسرو و شیرین* با ۵۱ نظیره بیشترین نظیره را دارند. در این آمار *لیلی و مجنون* و *خسرو و شیرین* نظامی نیز جزو نظیره‌ها محسوب شده‌اند [۴]. آنچه در این بخش جلب توجه می‌کند و آن را باید مهمترین کار نویسنده در این کتاب دانست، بررسی ویژگی‌های منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی است.

بخش دوم این کتاب نیز شامل معرفی، گزارش و تحلیل ده منظومه عاشقانه وامق و عذرا، ورقه و گلشاه، رابعه و بکتاش، گل و نوروز، جمشید و خورشید، سلامان و ابسال، سرو و تذرو، ناظر و منظور، ملک خورشید و دختر شاه بنارس و هیر و رانجها است. ذوالفقاری این کتاب را اولین مجموعه از معرفی، گزارش و تحلیل منظومه‌های عاشقانه فارسی دانسته و وعده مجموعه‌های دیگری را نیز می‌دهد (همان: ۲)، اما تا کنون این وعده محقق نشده است.

ابراهیم دلیری مالوانی در سال ۱۳۷۵ کتابی با عنوان *سخنسالار گنج و مقلدان او* به چاپ می‌رساند. دلیری در این کتاب (دلیری مالوانی، ۱۳۷۲: د)، «به ترتیب الفبا» به معرفی ۱۱۳ تن از مقلدان و نظیره‌های *مخزن الاسرار* می‌پردازد. گویا نویسنده از *تذکره هفت آسمان* اطلاعی نداشته، اما بعداً توسط یکی از دانشجویانش از وجود این تذکره آگاهی پیدا می‌کند (همان‌جا). وی درباره تفاوت کار خود با کار آغا احمدعلی می‌گوید: «آن مرحوم ۷۸ مثنوی هم‌وزن با *مخزن الاسرار* را [که خود *مخزن الاسرار* نیز جزو این ۷۸ مثنوی به شمار می‌آید] به طور خلاصه معرفی نموده است، که در این کتاب تعداد آنها به ۱۱۳ رسیده است» (همان‌جا).

چنانکه در مقدمه کتاب آمده، نویسنده قصد داشته است که جلد دومی نیز شامل معرفی نظیره‌گویان چهار مثنوی دیگر نظامی بر این کتاب بیفزاید و به قول خود کار ناتمام آغا احمدعلی را به فرجام رساند (همان: ه)، اما موفق به این کار نشده است؛ هرچند که در خلال معرفی مقلدان *مخزن الاسرار* به آثار دیگر شاعرانی که خمسه داشته‌اند نیز اشاره کرده است. آن طور که از اظهارات نویسنده برمی‌آید، وی از *کتابشناسی نظامی گنجوی* نیز که چهار سال

پیش از این کتاب منتشر شده و در بخشی از آن به معرفی مقلدان و نظیره‌های هر پنج منظومه خمسه نظامی پرداخته شده، بی‌اطلاع بوده است.

منابع اصلی دلیری مالوانی در این کتاب تذکره‌هایی چون: *آتشکده آذر*، *تحفه سامی*، *ریاض العارفین*، *تذکره شعرای پنجاب*، *تذکره شعرای کشمیر*، *روز روشن*، *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی و تاریخ ادبیات در ایران* بوده است.

در همین سال محمدعلی خزانه‌دارلو در کتابی با عنوان *منظومه‌های فارسی* - که رساله دکتری مؤلف است - به معرفی حدود ۹۰۰ مثنوی ادب فارسی که طی قرون ۹ تا ۱۲ هجری سروده شده‌اند، می‌پردازد. وی در فصل اول این کتاب هفتصد صفحه‌ای به مباحثی چون تعریف مثنوی، اوزان مثنوی و رابطه آن با مضامین مثنوی، ساختمان مثنوی، سابقه تحقیق در مثنوی - سرایی و موضوعات مثنوی می‌پردازد. خزانه‌دارلو در «سابقه تحقیق در مثنوی سرایی» به کتاب‌هایی چون: *خلاصه الکلام* (۱۱۹۸ ق.) اثر علی ابراهیم خان خلیل که «درباره ۷۸ مثنوی سرا که مثنوی‌های حماسی یا پندی و عرفانی سروده‌اند، بحث می‌کند» (خزانه‌دارلو، ۱۳۷۵: ۱۱)، اما وی بدان دسترسی پیدا نکرده است و *تذکره هفت آسمان* آغا احمدعلی احمد - که پیشتر ذکر آن رفت - و مقالاتی چون سلسله مقالات محمدعلی خان تربیت، صاحب *دانشمندان آذربایجان*، در مجله مهر تحت عنوان «مثنوی و مثنوی‌گویان ایران» - که در آنها به معرفی ۳۹ شاعر و مثنوی‌هایشان پرداخته و به اهتمام ح. صدیق در *مقالات تربیت* (۱۳۵۵) نیز چاپ شده - و مقالات محمدجعفر محبوب (نشریه دانشکده ادبیات تبریز، س ۱۵، ش ۲، ۱۳۴۲) - که به معرفی مثنوی‌های زبان فارسی از قدیمترین ایام تا آخر قرن پنجم پرداخته است - اشاره می‌کند.

مهمترین مبحث خزانه‌دارلو در این فصل به «موضوعات مثنوی» اختصاص دارد. وی در این قسمت مثنوی‌های فارسی را به سه موضوع اصلی عرفانی، حماسی و عاشقانه و چند موضوع فرعی دیگر تقسیم می‌کند و در ذیل هر یک از آنها منظومه‌های سروده‌شده در آن موضوعات را نام می‌برد. مفصل‌ترین بخش این قسمت نیز مربوط به منظومه‌های عاشقانه است که در آن به معرفی داستان‌های عاشقانه معروفی که منظومه‌های عاشقانه فارسی بر اساس آنها سروده شده -

اند، پرداخته شده است؛ داستان‌هایی نظیر: خسرو و شیرین، سلیمان و بلقیس، لیلی و مجنون، وامق و عذرا، یوسف و زلیخا و داستان‌های عشقی هند، چون: پدماوت و رتن، راماین، سسی و پنون، سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال، کامروپ و کاملتا، مدهومالت و منوهر، نل و دمن و هیر و رانجها.

فصل دوم این کتاب که بخش اصلی آن نیز به حساب می‌آید، به معرفی حدود نهصد منظومه از قرن ۹ تا ۱۲ می‌پردازد. نگارنده در این فصل به ترتیب الفبایی نام یا تخلص شاعران، منظومه‌های سروده‌شده توسط آنها را اعم از چاپی، خطی یا فاقد نسخه معرفی می‌کند. وی منظومه‌هایی را که به آنها دسترسی داشته، با مراجعه مستقیم و منظومه‌هایی را که بدانها دست نیافته از خلال اطلاعات فهرست‌ها، تذکره‌ها و تاریخ‌های ادبی معرفی کرده است. از آنجایی که بخش اعظم خمسه‌های ادب فارسی در بازه زمانی مورد بررسی این کتاب سروده شده‌اند، بسیاری از منظومه‌های معرفی شده در این کتاب، جزو منظومه‌های همین خمسه‌ها هستند.

این کتاب، چه به لحاظ گستردگی کار و چه از لحاظ اینکه نویسنده بسیاری از نسخه‌های خطی این منظومه‌ها را دیده و گزارشی از آنها به دست داده است، کتاب ارزشمند و در نوع خود منحصر به فردی است که می‌تواند مرجع اولیه خوبی برای کسانی که قصد تصحیح این منظومه‌ها و تحقیق در آنها را دارند، باشد، اما با این وجود، اشکالات و نواقصی نیز در آن دیده می‌شود. به عنوان مثال وی به اشتباه مثنوی‌های خمسه درویش اشرف را به زبان ترکی دانسته (همان: ۴۲ و ۵۱) و به همین دلیل به معرفی آنها پرداخته است، در صورتی که محمدعلی تربیت نسخه‌ای از این خمسه را که به زبان فارسی است در اختیار داشته و در **دانشمندان آذربایجان** ابیاتی از آن را نیز نقل کرده است (تربیت، ۱۳۱۴: ۱۴۸)؛ یا این که، بدون تحقیق و تفحص و تنها بر مبنای قول علی اصغر حکمت که با استناد به **تذکره روز روشن** خمسه‌ای به ابوالبرکات منیر لاهوری منسوب می‌کند و پیشتر بدان اشاره شد، او را دارای خمسه می‌داند (خزانه دارلو، ۱۳۷۵: ۴۹) و در ادامه از مثنوی‌های دوازده‌گانه وی نام می‌برد (همان: ۵۴۸-۵۵۲)؛ یا اینکه با وجود در دسترس بودن نسخه خطی لیلی و مجنون مثالی کاشانی در

کتابخانه مجلس شورای اسلامی به آن مراجعه نکرده و به اطلاعاتی که صفا درباره آن داده اکتفا کرده است و

در سال ۱۳۷۷ طاهره صدیقی در کتابی با عنوان *داستانسرایی فارسی در شبه قاره در دوره تیموریان*، به معرفی و بررسی داستان‌ها و منظومه‌های داستانی سروده شده در هند و پاکستان می‌پردازد. وی با تقسیم این داستان‌ها به شش دسته ذیل:

- ۱- داستان‌هایی که به تقلید از نظامی سروده شده یا منابع ایرانی دارند؛
- ۲- داستان‌هایی که از دوره قبل از اسلام و ایران باستان سرچشمه گرفته‌اند؛
- ۳- داستان‌هایی که منابع هندی و صبغه افسانه‌ای و اساطیری دارند؛
- ۴- داستان‌هایی که مبتنی بر وقایع تاریخی هستند و از زبان محلی به شعر فارسی درآمده‌اند؛

- ۵- داستان‌های حقیقی که شعرا آنها را از مشهودات خود و پیشامدهای عصر برگرفته‌اند؛
- ۶- داستان‌های اخلاقی و عرفانی که بر مبنای حکایات و تمثیلات پرداخته شده‌اند (صدیقی، ۱۳۷۷: ۵۰).

به معرفی داستان‌های هر یک از این دسته‌ها، منظومه‌های سروده شده بر مبنای این داستان‌ها و سراینده‌گانشان و در مواردی که نسخه‌ای از آن منظومه موجود بوده، ذکر خلاصه‌ای از داستان آن منظومه و سنجش ادبی و هنری آن می‌پردازد، اما در سنجش این آثار معیار علمی مشخصی ندارد و سنجش او بیشتر ذوقی به نظر می‌رسد.

از مزایای این کتاب، علاوه بر معرفی منظومه‌های سروده شده در شبه قاره، می‌توان به دسترسی نویسنده آن به نسخ خطی برخی از این منظومه‌ها اشاره کرد. صدیقی به کمک فهرست نسخه‌های خطی، به برخی از این منظومه‌ها دست یافته و گزارشی از آن‌ها به دست داده است و در مواردی که به خود نسخه دست پیدا نکرده، بنابر اطلاعات تذکره‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبی به معرفی مختصری از آن‌ها پرداخته است. کار صدیقی را از این لحاظ می‌توان با اثر خزانه‌دارلو مقایسه نمود.

محمدتقی خلوصی در سال ۱۳۷۹ مقاله پژوهشی دو بخشی‌ای با عنوان «جایگاه نظامی در مثنوی‌سرایی و شناختی از مقلدان وی» به چاپ می‌رساند که در بخش نخست آن به تأثیرپذیری نظامی از مثنوی‌سرایان پیش از خود (فردوسی و سنایی) و در بخش دوم به معرفی ۹ تن از مقلدان نظامی و آثار آن‌ها می‌پردازد. خلوصی در چکیده مقاله هدف اصلی خود را در نگارش این مقاله، بررسی «میزان تأثیرگذاری نظامی بر شاعران پس از خود» می‌داند و بر همین مبنا، به معرفی «مشاهیر مقلدان وی در ایران، هند و آسیای صغیر» می‌پردازد؛ اما آنچه در این مقاله دیده می‌شود، تنها معرفی مقلدان نظامی و تکرار گفته‌های تذکره‌نویسان و مورخان ادبی درباره آن‌ها است، نه بررسی میزان تأثیرگذاری نظامی بر آن‌ها.

وی در ادامه در توجیه لزوم نوشتن چنین مقاله‌ای می‌نویسد: «هرچند در مورد مقلدان نظامی کارهایی انجام گرفته است ... [اما] همین کارها به صورت پراکنده صورت گرفته است و برای کسی که بخواهد درباره مقلدان نظامی تحقیق جامع‌تری انجام دهد مرجع مدونی در این زمینه خاص وجود ندارد». آن‌گونه که از این گفته برمی‌آید، نویسنده مشکل را دریافته، اما راه درستی برای حل آن در پیش نگرفته است؛ چراکه اولاً یک مقاله ظرفیت چنین تحقیقی را ندارد و ثانیاً او در این مقاله چنین کاری را انجام نداده و تنها دانسته‌های گذشته را ناقص‌تر از آنچه در کارهای پیشین آمده، تکرار کرده است و به هیچ وجه نمی‌توان آن را مرجع مدونی در این حوزه به شمار آورد.

۲-۲-۷- دهه ۸۰

پس از وقفه‌ای شش‌ساله، حسن ذوالفقاری در سال ۱۳۸۵ در مقاله‌ای پژوهشی با عنوان «هفت پیکر نظامی و نظیره‌های آن» ضمن توضیحاتی درباره نظیره و نظیره‌گویی، به معرفی ۲۱ نظیره فارسی و ۷ نظیره غیرفارسی **هفت پیکر** و بررسی مشابهت‌ها و تفاوت‌های روایت‌های موجود این داستان می‌پردازد. چنانکه پیشتر اشاره شد، ابوالقاسم رادفر در **کتابشناسی نظامی گنجوی** ۲۰ نظیره فارسی و ترکی برای هفت پیکر نام برده بود که ذوالفقاری در این مقاله علاوه بر افزودن چند مورد دیگر، به مقایسه روایت‌های موجود آن می‌پردازد. ذوالفقاری در پیشینه مقاله ضمن اشاره به **کتابشناسی نظامی گنجوی**، به معرفی دو کتاب دیگر در این

زمینه با عنوان *هفت پیکر نظامی و نظیره‌هایی که بر آن در سده‌های چهاردهم تا هجدهم میلادی نوشته شده* (باکو، ۱۹۹۰) و *هفت پیکر نظامی و سنن نظیره‌نویسی در سده‌های چهاردهم تا شانزدهم میلادی در ادبیات فارسی* (باکو، ۱۹۸۷) از محقق آذربایجانی، کاظموف می‌پردازد که به آن‌ها دسترسی پیدا نکرده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۵: ۶۸). یک سال پس از مقاله ذوالفقاری، منصور رستگار فسایی در مقاله‌ای با عنوان «خمسه-سرائی در ادب فارسی» به طور ویژه به این سنت ادب فارسی می‌پردازد. وی در این مقاله ابتدا به اهمیت و نقش نظامی در مثنوی‌سرایی و تأثیرپذیری او از مثنوی‌سرایان گذشته، بویژه فردوسی و سپس معرفی فهرست‌واری از خمسه‌سرایان پس از نظامی و آثار آن‌ها در سه دسته ۱- مقلدان کل خمسه (خمسه‌سرایان)؛ ۲- آنان که بر تعداد خمسه افزوده‌اند (سته و سبعة-سرایان)؛ ۳- کسانی که بخشی از آثار نظامی را تقلید کرده‌اند، می‌پردازد.

بخش اول مقاله رستگار تقریباً همان کاری است که محمدتقی خلوصی انجام داده بود و آن‌گونه که از فهرست منابع مقاله برمی‌آید، وی آن مقاله را ندیده است. بخش دوم مقاله نیز همان‌گونه که از ارجاعات مقاله مشخص است، تماماً برگرفته از *کتابشناسی نظامی گنجوی* است و نویسنده چیزی بر آن نیفزوده است. بنابراین، این مقاله را نمی‌توان مقاله‌ای راهگشا در این زمینه دانست. نکته‌ای که در این مقاله به چشم می‌آید، علاوه بر معرفی این سنت ادبی به عنوان مقوله‌ای درخور پژوهش، آوردن چند دلیل برای این مسئله است که نظامی قصد خاصی مبنی بر سرودن پنج منظومه و گرد آوردن مجموعه‌ای به نام خمسه نداشته است و این دیگران بوده‌اند که پس از مرگ وی چنین کاری را انجام داده و نام آن را خمسه گذارده‌اند.

پس از کتابها و مقالاتی که در طی این چند دهه به معرفی نظیره‌های خمسه و مقلدان نظامی پرداختند، بالاخره در سال ۱۳۸۸ مدخلی از *دانشنامه زبان و ادب فارسی* به این موضوع اختصاص می‌یابد و مریم مجیدی در مقاله‌ای با عنوان «خمسه‌سرایی» به معرفی این سنت دیرینه ادب فارسی می‌پردازد. این مقاله تنها مقاله دانشنامه‌ای در این زمینه به شمار می‌رود. مجیدی در این مقاله سابقه خمسه‌سرایی (سرودن مجموعه‌ای از چند مثنوی داستانی) را به زمان عنصری می‌رساند و عنصری را دارای مجموعه شعری شامل پنج مثنوی داستانی [!؟]

«شادبهر و عین الحیوة»، «وامق و عذرا»، «خنگ بت» و «سرخ بت» موسوم به «خزانة یمین الدوله» می‌داند. او خمسۀ نظامی را معروفترین مجموعهٔ پنجگانهٔ مثنوی می‌داند که الهام‌دهندهٔ بسیاری از شاعران پس از او در سرودن خمسۀ سته و سبعة بوده است. مجیدی در ادامهٔ مقاله‌اش، مقلدان نظامی را به چهار گروه تقسیم می‌کند:

- ۱- گروهی که عیناً از پنج گنج نظامی تقلید کرده‌اند و حتی در گزینش وزن و انتخاب شخصیت‌های داستان و تقسیم فصول کتاب و ساختمان داستان از او پیروی کرده‌اند؛
- ۲- گروهی که اگر چه پنج مثنوی به تقلید از نظامی سروده‌اند، اما ابتکاراتی نیز انجام داده‌اند و از داستان‌ها و شخصیت‌های متفاوت یا وزن‌های مختلفی برای مثنوی‌های خود استفاده کرده یا بار معنایی متفاوتی به داستان‌ها داده‌اند؛
- ۳- گروهی که به نظیره‌سازی یک منظومه یا یک یا چند بخش از یک منظومه از خمسۀ نظامی پرداخته‌اند.
- ۴- گروهی که از روی تفنن خمسۀ نظامی را پاسخ گفته‌اند و خمسۀ آن‌ها ارزش ادبی ندارد (مجیدی، ۱۳۸۸: ۵۸-۶۰).

مهمترین منابع مجیدی را در تهیهٔ این مقالهٔ دانشنامه‌ای کتاب‌هایی چون: *الذریعه*، *فهرست نسخه‌های خطی فارسی*، *هفت اقلیم*، *دانشمندان آذربایجان*، *تذکره الشعرا* و *تذکره روز روشن*، *دایرة المعارف فارسی* و *تاریخ ادبیات در ایران* تشکیل می‌دهد و جای خالی *تذکره هفت آسمان* (قدیمی‌ترین اثر مستقل در این زمینه) و *کتابشناسی نظامی گنجوی* (یکی از معتبرترین آثار منتشرشده در این زمینه) به وضوح دیده می‌شود. از دیگر معایب این مقالهٔ دانشنامه‌ای علاوه بر احاطه نداشتن بر منابع، ارائهٔ اطلاعات نادرست است که از آن جمله انتساب پنج منظومهٔ داستانی به عنصری و ضبط غلط نام «فوق الدین احمد یزدی» به شکل «ذوق الدین» است.

در اواخر سال ۱۳۸۹ انجم حمید، محقق پاکستانی، کتابی با عنوان *مخزن الاسرار نظامی گنجوی و استقبال از آن در شبه قاره و ایران* منتشر می‌کند و در آن به معرفی ۱۴۳ نظیرهٔ *مخزن الاسرار* از ۱۲۹ شاعر می‌پردازد که در این میان ۷۰ مثنوی از ۶۱ شاعر مربوط به شبه

قاره و ۷۳ منظومه از ۶۸ شاعر مربوط به ایران است. این کتاب که در حقیقت رسالهٔ دکتری نویسنده بوده است، پس از *تذکرهٔ هفت آسمان و سخن سالار گنجه و مقلدان او*، سومین و آخرین اثری محسوب می‌شود که اختصاصاً به معرفی مقلدان نظامی و نظیره‌های مخزن *الاسرار* او پرداخته است.

این کتاب شامل یک مقدمه، شش باب و یک نتیجه‌گیری است. باب اول این کتاب به احوال، آثار و مختصات شعری نظامی، باب دوم به مثنوی سرایی عرفانی در شبه قاره، باب سوم به استقبال از نظامی در شبه قاره، باب چهارم به تجزیه و تحلیل *مخزن الاسرار* و باب‌های پنجم و ششم به ترتیب به استقبال از *مخزن الاسرار* در شبه قاره و ایران می‌پردازند. باب‌های پنجم و ششم اصلی‌ترین بخش این کتاب به شمار می‌روند که در این میان، به گفتهٔ خود نویسنده، باب پنجم اساس کار وی بوده است (حمید، ۱۳۸۹: ج) و باب ششم صرفاً جهت ارائهٔ تصویری کلی از نظیره‌سازی *مخزن الاسرار* افزوده شده است (همان: د). به همین علت است که باب ششم از نظر کمی و کیفی ضعیف‌تر از باب پنجم است، به گونه‌ای که باب پنجم ۲۲۷ صفحه و باب ششم ۵۷ صفحه از حجم کتاب را به خود اختصاص داده‌اند.

نویسنده در این دو باب به ترتیب تاریخ و بر اساس نام شعرا و در قالب دوره‌بندی‌هایی به بررسی نظیره‌های *مخزن الاسرار* می‌پردازد؛ بدین ترتیب که ابتدا شرح حال مختصری از زندگی شاعر ارائه می‌دهد. سپس آثار او را معرفی می‌کند و در ادامه به معرفی منظومه یا منظومه‌هایی که شاعر به استقبال *مخزن الاسرار* سروده، می‌پردازد. در معرفی منظومه‌ها در مواردی که نویسنده به نسخه‌های چاپی یا خطی آن منظومه دسترسی داشته است، به مطالعه آن پرداخته و ساختار آن را بیان کرده و در نهایت به مقایسهٔ آن با *مخزن الاسرار* پرداخته است. در مواردی هم که به نسخ خطی منظومه‌ها دسترسی نداشته، تنها نشانی از آن‌ها به دست داده است که در مورد نظیره‌های *مخزن الاسرار* در ایران بررسی نویسنده بیشتر از نوع اخیر بوده است.

مبنای نویسنده در تقسیم‌بندی نظیره‌های شبه قاره و ایران نیز سروده شدن آن نظیره در یکی از این دو منطقهٔ جغرافیایی بوده است؛ بدین ترتیب که علاوه بر شاعران هندی، شاعران ایرانی که در حین اقامت خود در شبه قاره مثنوی‌ای به تتبع *مخزن الاسرار* سروده‌اند، جزو شاعران شبه قاره محسوب شده‌اند و برخی شاعران ایرانی که هر چند به شبه قاره مسافرت

کرده‌اند، ولی مثنوی خود را قبل یا بعد از سفر خود سروده‌اند، جزو شاعران ایرانی به حساب آمده‌اند (همان: ز).

از مزایای این کتاب که آن را بر سایر اقرانش چون: *هفت آسمان، کتابشناسی نظامی گنجوی و سخن‌سالار گنجه و مقلدان او* برتری می‌دهد، دسترسی نویسنده به بسیاری از نسخه‌های خطی نظیره‌های *مخزن الاسرار* و مطالعه بیت به بیت و مقایسه آن‌ها با *مخزن الاسرار* است. یکی دیگر از مزایای این کتاب شناسایی و معرفی تعداد بیشتری از مقلدان و نظیره‌های *مخزن الاسرار* است.

در کنار مزایای مذکور، این کتاب دارای ایراداتی نیز هست. یکی از این ایرادات عدم احاطه نویسنده بر پیشینه تحقیق است. طبق اظهار نویسنده، وی از *تذکره هفت آسمان* و *کتابشناسی نظامی گنجوی* آگاهی داشته است، اما با وجود این که می‌گوید: از آغاز این تحقیق تا زمان دفاع آن همواره مشغول مطالعه آثار نظامی، مقاله‌ها و پژوهش‌های راجع به وی بوده است (همان: ز)، اما از آخرین پژوهشی که پیش از این کتاب اختصاصاً به این مسئله پرداخته است؛ یعنی *سخن‌سالار گنجه و مقلدان او* یا کتاب *منظومه‌های فارسی که به معرفی بسیاری از منظومه‌های فارسی قرون ۹ تا ۱۲ ق پرداخته*، اطلاعی نداشته و به آن‌ها اشاره‌ای نکرده است.

یکی دیگر از ایرادات این کتاب تفاوت معیار در دوره‌بندی‌هاست. معیار دوره‌بندی در باب پنجم این کتاب (پیروی از *مخزن الاسرار* در شبه قاره) دوره‌های تاریخ سیاسی هند و معیار دوره‌بندی در باب ششم (پیروی از *مخزن الاسرار* در ایران) دوره‌های زمانی است. دوره‌بندی بر اساس زمان و قرن هیچ بار ارزشی ندارد و تنها تقدّم و تأخر زمانی را می‌رساند، اما دوره‌بندی بر اساس دوره‌های تاریخ سیاسی نشان از این دارد که نویسنده فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر هر دوره را بر شکل‌گیری آثار مؤثر می‌دانسته است. گذشته از داوری در باب هر یک از این معیارها، بهتر بود نویسنده در مورد باب ششم نیز، حداقل برای یک‌دست شدن کار، تاریخ سیاسی ایران را معیار دوره‌بندی قرار می‌داد.

نقل بدون نقد مطالب نیز یکی دیگر از ایرادات است. نویسنده در شرح حال شاعران به نقل صرف سخن تذکره‌ها و تاریخ‌های ادبی می‌پردازد. به عنوان مثال، نویسنده تاریخ وفات رهایی هروی/خوافی را در حدود ۹۸۳ یا ۹۸۰ دانسته است و در ادامه تاریخ سرودن مثنوی منظور *انظار* او را ۹۸۲ ق می‌داند (همان: ۱۴۶-۱۴۷). با این تفصیل اگر تاریخ سرایش *منظور انظار* (۹۸۲) را درست بدانیم، رهایی خوافی بالطبع نمی‌تواند در سال ۹۸۰ چشم از جهان فرو بسته باشد و نقل این تاریخ بدون نقد آن درست نمی‌نماید.

۲-۳- پژوهش‌های منتشر نشده

ابوالقاسم رادفر در *کتابشناسی نظامی گنجوی* به دو اثر دیگر در این زمینه اشاره می‌کند. یکی از آن‌ها رساله‌ای دستنویس از احمد سهیلی خوانساری است با عنوان «متبعین نظامی» (رادفر، ۱۳۷۱: ۲۸۹ و ۴۵۶). گویا آقا بزرگ این رساله دستنویس را دیده و در تهیه فهرست خمسه‌های *الذریعه* از آن کمک گرفته است (آقا بزرگ تهرانی، بی تا: ۲۵۷/۷). دیگری پایان‌نامه‌ای است با عنوان «مقلدین نظامی» (پایان‌نامه کارشناسی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۲۷-۱۳۲۶) از منصور طلایی (رادفر، ۱۳۷۱: ۳۰۵). محمد غلامی نژاد و جواد میزبان (۱۳۸۸) نیز از دو پایان‌نامه در این زمینه یاد می‌کنند: پایان‌نامه دکتری حسینعلی یوسفی با عنوان «نقد تحلیلی مقلدان نظامی (نظامی، امیر خسرو، جامی و مکتبی)» (دانشگاه تهران، ۱۳۷۳) و پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسین تقوی با عنوان «نظیره‌گویان نظامی گنجوی» (دانشگاه آزاد مشهد، ۱۳۷۷).

۲-۴- پژوهش‌های غیرفارسی

علاوه بر این آثاری که به زبان فارسی نگاشته شده‌اند، چند مقاله نیز به زبان انگلیسی در دانشنامه ایرانیکا به این موضوع اختصاص یافته است. پائولو آرستی در سال ۲۰۰۶ در مقاله‌ای که با عنوان "*Kosrow o Sirin and its imitations*" (خسرو و شیرین و نظیره‌های آن) نوشته است، پس از معرفی خسرو و شیرین نظامی و داستان آن، به معرفی ۷ نظیره از نظیره‌های آن؛ یعنی خسرونامه عطار، گل و نوروز خواجه، جمشید و خورشید سلمان ساوجی،

فره‌ادنامه عارفی، شیرین و خسرو امیر خسرو، مهر و نگار جمالی و شیرین و خسرو هاتفی می‌پردازد. ارستی مطالعه در باب نظیره‌های خسرو و شیرین را از مطالعات اخیر دانسته و معتقد است که پیش از این جز فهرستی از نام سرایندگان این نظیره‌ها و آثار آن‌ها و شاید اندکی بیشتر از این، اطلاعاتی به دست داده نشده و بسیاری از این نظیره‌ها چاپ نشده باقی مانده است. وی همچنین اظهار می‌دارد که ملاک و معیار مشخصی برای قرار دادن این منظومه‌ها در ذیل این گونه ادبی وجود ندارد؛ اما به طور کلی می‌توان گفت: منظومه‌هایی که در بحر هزج سروده شده‌اند؛ موضوع‌شان داستان عشقی زمینی است؛ قهرمانان آن شهزاده و شهبانوهای هستند؛ و زمینه آن ایران قبل از اسلام است، در ذیل این نوع ادبی (نظیره‌های خسرو و شیرین) قرار می‌گیرند (Orsatti, 2006).

۱. ا. سید گهراب نیز در سال ۲۰۰۹ در قسمتی از مدخل "Leyli o Majnun" (لیلی و مجنون) به معرفی نظیره‌های لیلی و مجنون نظامی می‌پردازد. وی ساختار و طرح ساده لیلی و مجنون را از دلایلی می‌داند که این داستان بیشترین نظیره‌ها را در زبان فارسی و دیگر زبان‌های تحت سیطره فرهنگی آن، همچون: پشتو، اردو، کردی و ترکی به خود اختصاص داده است. وی ویژگی‌های مشترک این نظیره‌ها را تقلید از وزن، عناصر روایی و ابداعات لیلی و مجنون نظامی، از جمله مقدمه طولانی آن موسوم به ساقی‌نامه، قلمداد می‌کند و سپس به معرفی ۴ نظیره از نظیره‌های لیلی و مجنون؛ یعنی لیلی و مجنون امیر خسرو، جامی، هاتفی و مکتبی می‌پردازد (Seyed-Gohrab, 2009).

دومینکو پارلو در سال ۲۰۱۰ در مدخل "Kamsa of Nezami" (خمسه نظامی)، ضمن معرفی خمسه نظامی و اشاره به نکاتی درباره آن، همچون: جمع‌آوری آن پس از مرگ وی در قالب مجموعه‌ای به نام خمسه یا پنج گنج و تأثیرپذیری نظامی در نظم خمسه از شعرای پیش از خود، به تأثیر عظیم خمسه او بر ادبیات فارسی اشاره می‌کند و می‌گوید: نه تنها هر یک از منظومه‌های او به طور جداگانه، که خمسه به عنوان یک کل نیز مورد تقلید واقع شده است. به عقیده وی نظیره‌های خمسه در موارد مختلفی چون: موضوع، وزن و دیگر ویژگی‌های ساختاری و اینکه مجموعه‌ای شامل چند منظومه در قالب مثنوی هستند، از خمسه نظامی پیروی کرده-

اند. وی در ادامه چند تن از مقلدان خمسه، از جمله: امیر خسرو، خواجو، جمالی، هاتفی، جامی و نوایی را نام می‌برد (Parrello, 2010).

۲-۵- پژوهش‌های مرتب

گذشته از کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی که به معرفی مقلدان نظامی پرداخته‌اند، کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی نیز در زمینه مقایسه منظومه‌های خمسه نظامی با نظیره‌هایش به چشم می‌خورد. از آن جمله می‌توان به *هشت بهشت و هفت پیکر* (۱۳۵۵) از محمدجعفر محبوب، *بنای عاشقی بر بی‌قراری است (نقد تحلیلی و تطبیقی خسرو و شیرین و شیرین و خسرو دهلوی)* (۱۳۷۸) از حسینعلی یوسفی، «مقایسه چهار روایت لیلی و مجنون نظامی، امیر خسرو، جامی و مکتبی» (۱۳۸۸) (مقاله پژوهشی) از حسن ذوالفقاری و چندین مقاله دیگر که نام هشت تایی آن‌ها در *کتابشناسی نظامی گنجوی* آمده است، اشاره کرد. ابوالقاسم رادفر از ۳۹ پایان‌نامه کارشناسی نیز در این باره (مقایسه منظومه‌های خمسه نظامی با منظومه‌های خمسه امیر خسرو، خواجو، جامی، مکتبی و وحشی) نام می‌برد (رادفر، ۱۳۷۱: ۳۰۰-۳۱۰). محمد غلامی نژاد و جواد میزبان (۱۳۸۸) نیز از ۱۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۲ پایان‌نامه دکتری در این رابطه یاد می‌کنند.

نتیجه

در این مقاله به بررسی ۳۸ اثر در زمینه خمسه پژوهی پرداختیم که از این میان سهم فهرست‌های عمومی ۳، پژوهش‌های تخصصی ۲۵ (۱۲ کتاب و ۱۳ مقاله)، پژوهش‌های منتشر نشده ۴، پژوهش‌های غیرفارسی ۳ و پژوهش‌های مرتب ۳ اثر است. بیشترین پژوهش درباره خمسه سرایی در دهه هفتاد انجام شده است. در این دهه به دلیل برگزاری کنگره بین‌المللی بزرگداشت نظامی توجه بسیاری از محققان به این سنت ادبی جلب شد که در این میان ۶ مقاله از مجموعه مقالات همایش و ۴ کتاب و دو مقاله به طور مجزا به این موضوع پرداخته‌اند.

از بررسی و ارزیابی این پژوهش‌ها نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱- عدم تناسب عنوان با محتوا: در برخی از مقالات معرفی شده، عنوان مقاله با محتوای آن سازگار نیست. به عنوان مثال مقاله «پنج گنج نظامی و پیروان او» بر خلاف عنوان کلی آن تنها به مقلدان ترک نظامی، آن هم چند تن از آن‌ها می‌پردازد. در مقاله «نظامی در ترکیه» نیز نویسنده خمسه نوایی را که به زبان ترکی جغتایی سروده شده است و از آثار ادبی ازبکستان به شمار می‌رود، به عنوان نمونه‌ای از خمسه‌های ترکی برای مقایسه با خمسه نظامی برگزیده است.

۲- موازی کاری و عدم آگاهی بر پیشینه تحقیق: احاطه بر پیشینه تحقیق در تمامی پژوهش‌ها یکی از ارکان اصلی و نقاط آغازین تحقیق است که عدم آن به ارائه اطلاعات نادرست یا ناقص و موازی کاری منجر می‌شود که این مورد اخیر در چشم مخاطب آگاه به مسئله، در خوشبینانه‌ترین حالت موازی کاری و در بدبینانه‌ترین حالت سرقت علمی، به شمار می‌رود. در پژوهش‌های بررسی شده، مقالات «پنج گنج نظامی و پیروان او»، «خمسه سرائی در ادب فارسی» (در بخش اول مقاله)، «خمسه سرائی»، و کتاب‌های **سخنسالار گنجه و مقلدان او و مخزن الاسرار نظامی گنجوی و استقبال از آن در شبه قاره و ایران دارای چنین** نقیصه‌ای هستند.

۳- رونویسی و اقتباس از پژوهش‌های پیشین: تکرار صرف اطلاعات به دست آمده در **پژوهش‌های** پیشین بدون ارجاع به آن‌ها سرقت علمی و با ارجاع به آن‌ها رونویسی یا خلاصه‌نویسی محسوب می‌شود. مقالات «مخزن الاسرار نظامی گنجوی و نظیره‌هایی که به تقلید از آن سروده‌اند»، «جایگاه نظامی در مثنوی سرائی و شناختی از مقلدان مشهور وی» و «خمسه سرائی در ادب فارسی» (در بخش دوم مقاله) از نمونه‌های قسم اخیر به شمار می‌روند.

۴- ارائه اطلاعات نادرست یا بی‌دقتی و سهل‌انگاری در ارائه اطلاعات: در بعضی موارد به سبب عدم احاطه بر همه یا آخرین اطلاعات، لغزش نویسنده، یا تعدد همکاران و اعتماد نویسنده بر اطلاعات آن‌ها چنین اتفاقی رخ می‌دهد. چنان‌که پیشتر اشاره شد، در کتاب-های نظامی شاعر داستان‌سرا، **کتابشناسی نظامی گنجوی، منظومه‌های عاشقانه**

فارسی، منظومه‌های فارسی، مخزن الاسرار نظامی گنجوی و استقبال از آن در

شبه قاره و ایران و مقاله «خمسه سرایی» چنین موردی به چشم می‌خورد.

۵- اظهارنظرهای جزئی، متعصبانه و غیرعلمی: دل‌بستگی به یک شاعر یا نویسنده و عدم رعایت بی‌طرفی در نقد منجر به اظهار نظرهای جزئی، یک‌طرفه و متعصبانه می‌شود. در این گونه نقدها، غالباً با معیار علمی مشخصی نیز مواجه نیستیم. جملات نقل شده از مقاله «مقلدان خسرو و شیرین نظامی» به خوبی نشان‌دهنده این مطلب است.

۶- نداشتن معیار علمی مشخص برای نقد آثار: نداشتن معیاری علمی برای نقد آثار، منتقد را به سمت نقد ذوقی می‌کشاند. آنچه در کتاب *داستان‌سرایی فارسی در شبه قاره در دوره تیموریان* با عنوان «سنجش ادبی و هنری» آمده است، از این موضوع حکایت دارد.

۷- نداشتن معیار یکسان در دوره‌بندی: برای دوره‌بندی تاریخ ادبیات یک ملت معیارهای مختلفی چون: زمان، تاریخ سیاسی، محیط جغرافیایی، ذوق ادبی غالب در یک دوره و... وجود دارد. گذشته از داوری درباره برتری هر یک از این معیارها، باید دانست که در بخش‌های مختلف اثری که صبغه تاریخ ادبی دارد نمی‌توان از معیارهای متفاوت استفاده کرد و باید یک معیار را برای تمام کتاب برگزید. این ایراد در کتاب *مخزن الاسرار نظامی گنجوی و استقبال از آن در شبه قاره و ایران* به وضوح دیده می‌شود.

۸- غلبه رویکرد تذکره‌ای و مغفول ماندن دیگر رویکردها: چنانکه مشاهده شد، رویکرد غالب پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه رویکرد تذکره‌ای است. بیشتر این آثار تنها به معرفی مقلدان نظامی و شرح حال تذکره‌واری از آن‌ها پرداخته‌اند. در بعضی از آن‌ها، علاوه بر تهیه فهرست، به مقایسه دو یا چند مورد از این منظومه‌ها نیز پرداخته شده و در بعضی دیگر دسته‌بندی‌هایی از این مقلدان و آثار آن‌ها صورت گرفته است. تکرار و رونویسی فصل مشترک بیشتر این پژوهش‌هاست. به جز آثاری که در زمینه خمسه‌های غیرفارسی منتشر شده است، بقیه آثار به تکرار اطلاعات قبلی پرداخته و گاه نیز چیزهایی بر آن افزوده‌اند. محققان ادبی ما در این حوزه پا را فراتر از فهرست و شرح حال نویسی نگذارده و در بعضی موارد نه تنها چیز زیادی بر کار گذشتگان نیفزوده‌اند، بلکه به بیان ناقص و ابتر سخنان

آنان پرداخته‌اند. هیچ یک از پژوهشگران این حوزه به نوشتن تاریخ این سنت ادبی رغبت نشان نداده‌اند. نوشتن تاریخ خمسه‌سرایی؛ یعنی بررسی پیشینه، سیر دگردیسی و ویژگی‌های خمسه‌سرایی در ادوار و مناطق مختلف یکی از ضروریات تحقیقات ادبی این حوزه به شمار می‌رود که فقدان آن به وضوح مشهود است.

بررسی گونه‌شناسانه خمسه‌ها نیز یکی دیگر از زمینه‌های پژوهش در این حوزه به شمار می‌رود. در این سنت دیرینه و گسترده ادبیات فارسی خمسه‌های متعددی با ویژگی‌هایی نسبتاً مشترک سروده شده‌اند، اما تا کنون محققان ما به این مسئله توجه نکرده‌اند. رویکرد گونه‌شناسانه را می‌توان در مقالاتی که محققان اروپایی در این باره نوشته‌اند، مشاهده کرد، اما ایشان در مجال اندک مقاله دانشنامه‌ای تنها اشاره‌ای به این مسئله داشته‌اند و تفصیل آن به عهده کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها است. با استفاده از این رویکرد می‌توان معیاری برای بررسی خمسه‌ها به دست آورد. از آنجا که سبک را حاصل انحراف از معیار دانسته‌اند، به دست آوردن این معیار محققان را در تشخیص سبک‌های شخصی و دوره‌ای در این سنت ادبی یاری می‌رساند.

نوشتن تاریخ خمسه‌سرایی و بررسی گونه‌شناسانه آن مستلزم دیدن و مطالعه خمسه‌هاست؛ خمسه‌هایی که بعضی تنها نامی از آن‌ها شنیده‌اند. از چندی از این خمسه‌ها اثری جز نام‌شان باقی نمانده است، اما از چندی دیگر نسخه‌هایی در کتابخانه‌های مختلف بر جای مانده است. محققان این حوزه با تصحیح و چاپ این خمسه‌ها می‌توانند به احیای این بخش فراموش‌شده ادبیات فارسی کمک شایانی نموده و زمینه را برای تحقیقات بعدی در این زمینه، چون نقد و بررسی این خمسه‌ها و در نهایت نوشتن تاریخ این سنت ادبی آماده کنند.

آنچه مسلم است، تحقیقات ادبی این حوزه چه از لحاظ کمی و چه کیفی جوابگوی سؤالات بی‌پاسخ موجود در این حوزه نیست و بیش از این باید به این حوزه پرداخت. خمسه-پژوهی در برابر خمسه‌سرایی، حداقل از لحاظ کمیت، بسیار نحیف و لاغر است. هرچند شاید بسیاری از خمسه‌های موجود ارزش ادبی والایی نداشته باشند، اما آنها نیز جزو ادبیات این فرهنگ و این سرزمین به شمار می‌روند. همان‌گونه که در نوشتن تاریخ یک ملت نمی‌توان از

نوشتن وقایع تلخ و ناگوار صرف نظر کرد و آن‌ها را انکار نمود، همان‌گونه نیز نمی‌توان این آثار ادبی را به «اتهام» نداشتن ارزش ادبی به ورطه فراموشی سپرد.



۱- وحید دستگردی عدد مثنوی‌های نظامی را شش می‌داند. او دو بخش اسکندرنامه؛ یعنی شرف‌نامه و خردنامه را دو مثنوی جداگانه محسوب کرده و دیوان او را گنجینه هفتم از سبعة نظامی دانسته است. وحید تصحیح خود را از - به زعم خود - سبعة نظامی بین سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۸ منتشر کرد.

۲- یکی از موضوعات پیشنهادی این کنگره «مقلدان و نظیره‌پردازان خمسة نظامی» بوده است (عناوین پیشنهادی دبیرخانه کنگره بین‌المللی بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی، به نقل از بهرام طوسی، راهنمای پژوهش و اصول علمی مقاله‌نویسی، مشهد: تابران، ۱۳۸۳، صص ۵۶-۵۷).



منابع

- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، (بی تا)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، ج ۷، بی جا، دارالکتب العلمیه.
- _____، (۱۳۸۷ق)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، ج ۱۸، تهران، کتابخانه اسلامی.
- برتلس، ی. ا. (۲۵۳۵)، *نظامی، شاعر بزرگ آذربایجان*، ترجمه ح. صدیق، تهران، پیوند.
- بیگدلی، غلامحسین، (۱۳۴۸)، «داستان خسرو و شیرین نظامی و ادبیات ترک»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، س ۲۱، ش ۱، صص ۲۵-۴۰، ش ۳ و ۲، صص ۱۲۱-۱۴۵.
- تربیت، محمدعلی، (۱۳۱۴)، *دانشمندان آذربایجان*، تهران، مطبعه مجلس.
- چوهدری، شاهد. (۱۳۷۲)، «تأثیر و نفوذ نظامی گنجوی در زبان و ادبیات پنجابی» در مجموعه *مقالات کنگره بین المللی بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی*، ج ۱، به اهتمام و ویرایش منصور ثروت، تبریز، دانشگاه تبریز، صص ۴۱۹-۴۲۲.
- حاجی خلیفه، (۱۹۶۷م)، *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*، تهران، مکتبه الاسلامیه.
- حاکمی، اسماعیل، (۱۳۵۸)، «مخزن الاسرار نظامی گنجوی و نظیره‌هایی که به تقلید از آن سروده‌اند». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران*، س ۲۴، ش ۳ و ۴، صص ۱۱۷-۱۲۷.
- حکمت، علی اصغر، (بی تا)، *رمثو و ژولیت شکسپیر، مقایسه بالیلی و مجنون نظامی گنجوی*، تهران، بروخیم.
- حمید، انجم، (۱۳۸۹)، *مخزن الاسرار نظامی گنجوی و استقبال از آن در شبه قاره و ایران*، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- خزانهدارلو، محمدعلی، (۱۳۷۵)، *منظومه‌های فارسی*، تهران، روزنه.
- خلوصی، محمد تقی، (۱۳۷۹)، «جایگاه نظامی در مثنوی سرایی و شناختی از مقلدان مشهور وی»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، ش ۲۸، صص ۷۸-۹۶.
- دلبری پور، اصغر، (۱۳۷۲)، «نظامی در ترکیه، مقلدان و نظیره پردازان ترک خمسه» در مجموعه *مقالات کنگره بین المللی بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی*، ج ۱، به اهتمام و ویرایش منصور ثروت، تبریز، دانشگاه تبریز، صص ۵۵۹-۵۹۵.
- دلیری مالوانی، ابراهیم، (۱۳۷۵)، *سخن سالار گنجه و مقلدان او*، رشت، طاعتی.
- ذوالفقاری، حسن، (۱۳۷۴)، *منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی*، تهران: نیما.
- _____، (۱۳۸۵)، «هفت پیکر نظامی و نظیره‌های آن»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم*، ش ۵۳ و ۵۲، صص ۶۷-۱۰۹.

- _____، (۱۳۸۸)، «مقایسه چهار روایت لیلی و مجنون نظامی، امیرخسرو، جامی و مکتبی»، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، ش ۴۵، صص ۵۳-۸۹.
- رادفر، ابوالقاسم، (۱۳۷۱)، کتابشناسی نظامی گنجوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- رستگار فسایی، منصور، (۱۳۸۶)، «خمسه‌سرایی در ادب فارسی» ف آینه میراث، ش ۳۶ و ۳۷، صص ۲۴۳-۲۵۷.
- _____، (۱۳۸۸)، «خمسه نظامی» در دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۳، به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ریپکا، یان، (۱۳۵۴)، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه عیسی شهبابی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ستارزاده، عصمت، (۱۳۵۴)، «پنج گنج نظامی و پیروان او»، نگین، س ۱۰، ش ۱۲۰، صص ۳۴-۳۶.
- شبلی نعمانی، (۱۳۶۳)، شعرالعجم، ج ۵، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، دنیای کتاب.
- شهبابی، علی‌اکبر، (بی‌تا) ف نظامی شاعر داستانسر، تهران، ابن سینا.
- صبا، محمد مظفر حسین، (۱۳۴۳)، تذکره روز روشن، طهران: کتابخانه رازی.
- صدیق، ح. م.، (۱۳۶۰)، زندگی و اندیشه نظامی، تهران، توس.
- صدیقی، طاهره، (۱۳۷۷)، داستانسرایی فارسی در شبه قاره در دوره تیموریان، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- طوسی، بهرام، (۱۳۸۳)، راهنمای پژوهش و اصول علمی مقاله‌نویسی، مشهد، تابران.
- غلامی‌نژاد، محمد؛ میزبان، جواد، (ایجادشده ۱۲ اسفند ۱۳۸۸)، «فهرست پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از ابتدا تا ۱۳۸۳» در <http://grooheadabiyat.blogfa.com/cat-10.aspx>.
- مؤید، حشمت، (۱۳۷۲)، «مقلدان خسرو و شیرین نظامی»، ایرانشناسی، س ۵، ش ۱، صص ۷۲-۸۸.
- مجیدی، مریم، (۱۳۸۸)، «خمسه‌سرایی» در دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۳، به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- محمدزاده صدیق، حسین، (۱۳۷۲)، «تأثیر آفرینش نظامی بر ادبیات ترکی» در مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی، ج ۳، به اهتمام و ویرایش منصور ثروت، تبریز، دانشگاه تبریز، صص ۱۷۲-۱۷۹.

- منزوی، احمد، (۱۳۵۱)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۴، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌یی.
- مولوی آغا احمدعلی احمد، (۱۹۶۵ م.)، تذکره هفت آسمان، تهران: کتابفروشی اسدی.
- ناجی طوقماق، عبدالرحمن، (۱۳۷۲)، «خمسه سرایان عثمانی» در مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی، ج ۳، به اهتمام و ویرایش منصور ثروت، تبریز، دانشگاه تبریز، صص ۲۹۵-۳۰۲.
- نورمحمدخان، مهر، (۱۳۷۲)، «جستاری در نفوذ نظامی در شبه قاره (مقلدان و شروح آثار نظامی)» در مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی، ج ۳، به اهتمام و ویرایش منصور ثروت، تبریز، دانشگاه تبریز، صص ۳۷۳-۳۹۹.
- نوشاهی، عارف، (۱۳۷۲)، «کتابشناسی نظامی در پاکستان و هند» در مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی، ج ۳، به اهتمام و ویرایش منصور ثروت، تبریز، دانشگاه تبریز، صص ۴۰۰-۴۲۷.
- وحید دستگردی، حسن، (بی تا)، گنجینه گنجوی، تهران، علمی.

- _ Orsatti, Paola. (2006). *Kisrow o Sirin and its Imitations at Encyclopaedia Iranica Online* available at <www.iranicaonline.org>.
- _ Parrello, Domenico. (2010). *Kimsa of Nezami at Encyclopaedia Iranica Online* available at <www.iranicaonline.org>.
- _ Seyed-Gohrab, A. A. (2009). *Lejt o Majnun at Encyclopaedia Iranica Online* available at <www.iranicaonline.org>.